

گذری بر روزگار کوچه ای که هنوز با نام قاجاری اش شناخته می شود

تاریخ کهنه «کوچه نو»

رضا سلیمان نوری| کلماتی چون نو و نوین وقتی در ادامه نام یک مجموعه بنا، مسیر و گذر یا خیابان و چیزهایی از این دست قرار می گیرند، بازگوکننده تازه و جدید بودن آن درمقایسه با نمونه های مشابه در محدوده جغرافیایی مدنظر هستند. درست به همین دلیل هم به طورمعمول پس از مدتی این نام ها جای خود را به نام های جدیدی می دهد که به هر دلیل، مناسب آن بنا یا محدوده شناخته شده اند؛ زیرا نو و نوین بودن، همیشگی نیست و هر چیزی پس از گذشت مدت زمانی از عمرش، تازگی و جدید بودن ذاتی خود را از دست می دهد.

اینکه از اصطلاح «به طور معمول، در جمله قبل استفاده شد، به این دلیل است که گاهی استثناهایی پیش می آید و بنا یا محدوده مکانی خاصی پس از گذشت سال ها از وجود آن، هنوز هم به نام نو، یا نوین، در بین مردم شناخته می شود و هرگز کهنه نمی شود. نمونه بارز این مسیرها در مشهد، کوچه چهنو در خیابان امام رضا^(ع) و از آن قدیمی تر، کوچه نو، در خیابان آیتا... شیرازی یا همان بالاخیابان است؛ کوچه ای که بررسی گذشته و حال آن، موضوع این نوشتار کوچه گردی است.

کوچه نو در گذر زمان

بررسی منابع تاریخی برای شناسایی زمان ایجاد کوچه نو در اراضی مشهد قدیم، مانند اغلب کوچه ها و خیابان های ساخته شده قبل از دوران پهلوی در مشهد، به نتیجه مشخصی نمی رسد؛ زیرا در آن زمان، ثبت تغییرات عمرانی شهر مرسوم نبوده است، البته تأمل در نقشه جولیس دالمج که سال ۱۲۴۸ خورشیدی ترسیم شده است، ما را به این حقیقت رهنمون می کند که در دوران ترسیم این نقشه، «کوچه نو، وجود خارجی داشته است. در نقشه قاجاری دالمج، کوچه نو به عنوان دومین کوچه پس از مقبره نادرشاه افشار، نقش خورده است و پس از آن هم هفت کوچه دیگر تا دروازه شهر ترسیم شده اند که همگی به باغات بزرگ حاشیه شهر، راه داشته اند، جز یکی که به آرامستان ختم می شود.(این کوچه منفرد، کوچه مجاور مسیر بررسی شده در این نوشتار است.)

نقشه دالمج اگرچه بناها را به خوبی ترسیم کرده، از نام گذاری کوچه ها و مسیرهای کوتاه و بلند شهری دریغ کرده است. با این حال کوچه نو را با دو روش می توان تشخیص داد، نخست با تطبیق جانمایی کوچه های محدوده بین چهار راه شهدا و میدان شهدای کنونی با نقشه های سال های بعد، می توان هم تغییرات رخ داده در این کوچه و هم تغییرات تمام کوچه های این محدوده را مشخص و بررسی کرد. دوم، اتکا به بنای مشخصی است که دالمج به وضوح در نقشه خود، وجودش را در این کوچه تأیید کرده است. این بنا سازه ای با کاربرد مذهبی است به نام «تکیه کوچه نو» که هرچند اکنون وجود خارجی ندارد، همین سند کافی است تا مشخص شود کوچه ای که اکنون تابلوی آیتا... شیرازی ۲۱ در ورودی آن نصب شده، از حدود ۱۵۰ سال قبل نام «کوچه نو» را داشته است، با این تفصیل از آن زمان تاکنون، هرگاه در اسناد و نوشتارهای باقی مانده، از «کوچه نو» سخن به میان می آید، مقصود همین مسیر است؛ البته همان گونه که به طور دقیق مدرکی درباره زمان ایجاد این کوچه در اراضی بالاخیابان مشهد وجود ندارد، درباره نو، خواننده شدن آن هم هیچ مدرکی در دست نیست و تنها محمدرحیم رهنما در کتاب «شناسایی و وجه تسمیه محلات و اماکن عمومی بافت قدیم شهر مشهد، بدون ذکر منبعی، بیان کرده است که دلیل این نام گذاری، قدمت کمتر کوچه مدنظر نسبت به دو کوچه مجاور آن یعنی کوچه ثبت(آیتا... شیرازی ۱۹) و کوچه حوض است که از این میان، کوچه حوض اکنون دیگر وجود ندارد و در طرح بهسازی ونوسازی میدان شهدا به طور کامل تخریب شده است.



موقعیت کوچه نو در نقشه قاجاری دالمج

نگاهی به در مشهد قدیم و روزهایی که هوا رو به گرمی می گذاشت

نوبر بهار ه بستنی!

حلی را با لحیم کاری به پنج تا شش دایره متداخل، تقسیم و فواصل بین دو اثر را نیز به چندین خانه مثلثی شکل قسمت می کردند. هر خانه را هم با یک نوع مربای بسیار غلیظ و چسبناک و رنگ به رنگ می انباشتند. در دایره مرکزی، یک قوطی آب و یک میله آهنی سرپهن، شبیه آچار پیچ گوشتی می گذاشتند و داد می کشیدند؛ معجون افلاطون فالی یک شاهی!، هرکس می خواست امتحان کند، با پرداخت پول یک فال، آچار را برمی داشت و از گوشه یکی از خانه های ایجادشده، به درون معجون فرومی برد و تا جایی که می توانست، پیش می رفت. بعد در انتهای خانه بعدی، آن را بلند می کرد و یکراست در دهان می گذاشت. بعد آچار لیس زده را به دست مشتری بعدی می داد. این طور بود که به سر آچار یکی، به قدر یک پشت ناخن و برای دیگری ممکن بود اندازه یک قاشق مرباخوری معجون بچسبد. همین اختلاف در دستاوردها، انگیزه ای بود برای خودنمایی و مسابقه بین بچه های محل، مرحوم بقیعی در ادامه توضیح می دهد: «آلو و آلبالو ی خیس خورده هم همین جاذبه را داشت. آلو و آلبا لوفروش ها یک سطل پر و چند قاشق چوبی برمی داشتند و به راه می افتادند و داد می کشیدند: «آب آلو جگرته جلا می ده... صفرابره آلو،» هرکسی هم که دلش می رفت، اول پول ده تا آلو را می پرداخت، بعد یک قاشق می گرفت

کمال سیستانی

مشهد دوروز است که خنکای هوای بهارش را به تیغ تیز آفتاب سپرده است. این گرمی هوا، خوردن تنقلات و دسرهای سرد را دلچسب می کند، خوراکی هایی مثل بستنی، یخ در بهشت و شربت خنک. حس و حالی که مربوط به همه دوران ها بوده است. این را خاطره قدیمی ها می گوید، قدیمی هایی مثل مرحوم غلام حسین بقیعی که تجربه روزگار پشت سرگذاشته اش در مشهد قدیم را در کتاب «مزار میرمراذ، جاودانه کرده است.

● مشهد قدیم و معجون افلاطونش فکر کنید اینجا محله شما در صد سال پیش است. هوای اول خرداد است در کوچه های تن داده به سایه بیدها و یاس ها، اما اگر هوس خوردن یک شربت سرد آلبالو یا معجون افلاطون کرده اید، باید بروید به محلات اعیان نشین، بقیعی می نویسد: «تنقلات فروشان، خودشان را هر روز به محلات اعیانی می رساندند و با صدایی بلند، کالای خود را عرضه می کردند. نوی بساط تنقلات فروش های آن دوره می شد چند قلم خوراکی مثل شکلات، تخمه کدو، قرض نغنا، آب آلو و یک خوردنی دیگر به اسم «معجون افلاطون» پیدا کرد، آن ها سطح یک سینی



بافت کوچه نو

بررسی نقشه دالمج و سپس نقشه های تهیه شده برای مشهد در دوران پهلوی اول و پهلوی دوم و انطباق آن ها با وضعیت کنونی کوچه نو نکات جالبی را روشن می کند، نخست اینکه کوچه نو از ابتدای ایجاد تا همین امروز، یک راه میانبر برای دسترسی سریع تر مردم به راسته بالاخیابان بوده است. مردمی که مسیر نوغان تا دروازه بالاخیابان را از طریق کوچه های نوغان ۴، ته پل محله، آب میرزا، سلطان محمد و هشت آباد طی می کرده اند، از طریق این کوچه امکان رسیدن به بالاخیابان را داشته اند.

دیگر اینکه ساختار این کوچه در طول زمان، بیشتر در جانب غربی تغییر کرده است. در جانب شرقی کوچه(از زمان ترسیم نقشه دالمج تاکنون) سه فرعی بن بست قرار داشته اما ۱۵۰ سال پیش در جانب غربی کوچه فقط یک فرعی بن بست بوده که در دوران پهلوی ابتدا به دو فرعی بن بست تبدیل شده است که یکی از آن ها بعدتر، از طریق عشرت آباد به محدوده میدان شهدای کنونی راه پیدا کرده و دیگری همچنان بن بست مانده است. اکنون در جانب غربی کوچه نو، چهار فرعی قرار دارد که سومین فرعی، همان کوچه ای است که از اواسط دوران پهلوی باز شده است و دیگر بن بست نیست.



شماره ۳ آن مشاهده می شود که خود، میزبان ساختمان شماره یک حوزه علمیه الحجه است، ساختمانی نسبتا قدیمی که زیبایی های خاص خود را دارد. ادامه مسیر کوچه نو تا پایان آن یعنی محلی که به کوچه قدیمی سلطان محمد(شهید مصطفی میرنژاد یا شهید هاشمی نژاد ۲) می رسد، چندین خانه قدیمی قد علم کرده اند که یادگار دهه های ۳۰ تا ۵۰ هستند. همچنین دو مغازه قدیمی در میانه این کوچه جای گرفته اند که هنوز همان ظاهر و قفل بندی قدیم را دارند و بازگوکننده دوران پهلوی اول هستند و نکته پایانی اینکه کوچه نو که از طریق شهید هاشمی نژاد ۳ از کنار پایانه هاشمی نژاد به میدان شهدا و ابتدای این خیابان متصل می شود، در این قسمت پایانی، نام شهید میرنژاد یک را هم به خود گرفته است.



کرده اند و اکنون فقط دیوار و در آن باقی مانده است. ادامه کوچه تا حدی حالت قدیم و مسکونی خود را حفظ کرده است و تا ابتدای کوچه شهید حبیبی ۳ از یک سو و کوچه شهید حبیبی ۶ از دیگر سو، در کنار خانه های مسکونی فقط فروشگاه هایی چون نانواپی و خواربارفروشی به چشم می خورد. خود کوچه شهید حبیبی ۶ طولانی ترین فرعی کوچه نو محسوب می شود. مسیر کوچه تا رسیدن به خروجی آن که در مجاورت مسجد حوض لقمان قرار دارد و تابلوی شهید هاشمی نژاد یک در ابتدای آن نصب شده است، میزبان شش پیچ کوچک و بزرگ و چندین خانه زیبا و درخور توجه است و یکی دو خیریه و حسینیه متعلق به «سنخواستی» هاست. البته در قسمت دیگر این حسینیه در انتهای کوچه، بن بست شهید حبیبی ۸ قرار دارد. روبه روی فرعی شماره ۶ کوچه نو تقریبا فرعی



آلوفروش دوره گر عصر قاجار

روز افتتاح این لوله که نخستین خط لوله کشی آب شرب مشهد به حساب می آمده، در مسجد گوهرشاد جشن مفصلی برپا می شود و شاعران، اشعار گوناگونی برایش می سرایند که یکی از آن اشعار این است:

به خیرا و میرات از ره داد/ شهنشه زاده داد/ مکرمت داد شه ما نیرالدوله که اورا/ بود از هر دو گیتی خانه، آباد رواق گنبد کاخ رضا را/ مرمت کرد چون کاخ گوهرشاد

سپس در صحن مسجد کرد جاری / دو جو کز آب کوثر می دهد یاد

به همین مناسبت آن باغ را «باغ منبع» و آب این خط لوله را «آب مسجد» نامیدند. بعضی مؤسسات دولتی و منازل شخصی که در مسیر این لوله قرار داشتند، با پرداخت آب بها از آن استفاده می کردند. ولی خانه هایی که آب لوله کشی نداشتند، مجبور بودند مانند محله های دیگر آب ریخت و پاش را از چاه و آب آشامیدنی را از آب انبار عمومی تأمین کنند.

همین حدود سکونت داشتند و منازل آنان دارای اندرونی و بیرونی، درشکه خانه، سرطوبله، حمام خصوصی، آب انبار و حتی یک انشعاب آب لوله کشی مسجد بود.

امتیازهای محلات اعیان نشین فقط به خوردن تنقلات سرد خلاصه نمی شد و علاوه بر آن، آب خنک لوله کشی در ماه های گرم سال را هم فقط می شد در این حدود پیدا کرد. برابر اسناد تاریخی، بعد از فاجعه توپ بندی حرم مطهر، شاهزاده نیرالدوله والی خراسان می شود. به دستور وی، خرابی های حرم و گنبد و گلدسته طلا مرمت می شود و در یکی از باغات بیرون دروازه سراب، نزدیک مظهر قنات متبرک سناباد و قنات موقوفه مسجد گوهرشاد، یک منبع به سبک جدید می سازند و آن را با یک خط لوله آهنی به درون مسجد می کشند. از آن پس، آب قنات موقوفه با استفاده از یک تلمبه موتوری، وارد منبع می شده و از طریق آن به درون دو حوض مسجد گوهرشاد می ریخته است.



بستنی فروش دوره گر عصر قاجار

و به جان آلوها می افتاد، این طور که از درون سطل یکی یکی برمی داشت، به دهان می گذاشت و برای نگاهداری حساب آن، هسته هایش را پیش فروشنده به زمین می انداخت. ولی بچه های شیطان، تعدادی از هسته ها را قورت می دادند و چانه می زدند و به دروغ، خودشان را مظلوم و طلبکار نشان می دادند. سوای این ها، دوسه نفر هم در مشهد بودند که گاری بستنی داشتند. آن ها شبکه چرخدار بستنی بندی شان را توی کوچه ها می چرخاندند و با صدای بلند آواز سر می دادند: نوبر بهار ه بستنی! / هل با گلابه بستنی / پر خامه دارم بستنی، ● کوچه های پنجه، چهارباغ و سراب

حالا این محلات اعیان نشین مشهد در قدیم کجا بوده اند؟ نویسنده مزار میرمراد تعریف می کند: «کوچه پنجه، چهارباغ و سراب نسبت به سایر محلات مشهد، اعیان نشین و مرفقی به شمار می رفت، زیرا خانواده های شوکت السلطنه، سالارالدوله، قائم مقام، کوزه کنانی و دیگر اعیان مشهد در